عربی و زبان قرآن

**** عَیِّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجَمَة أو المفهوم أو المفردات أو الحوار: (۳۵ ـ ۲۶)**

۱- «أقِم وجهَک للدّین حنیفاً و لا تکونَنَّ من المُشرِکین»:

۱) به دین یکتاپرستان روی بیاور و از مشرکان نباش!
۲) و با یکتاپرستی به دین روی آوردند و هرگز از مشرکان نبودند!
۳) و رویت را به سمت دین یکتاپرستی بگردان تا از مشرکان نباشی!
۴) با یکتاپرستی به دین روی آور و هرگز از مشرکان نباش!

۲- «لِمن علَّمک علماً حقّ علیک فاخفِضْ له جناحَی الّذل من الرّحمة و استَغفِرْ له عند الله!»:

۱) کسی‌که تو را آموزش می‌دهد، بر گردن تو حق دارد، پس باید از روی مهربانی بال تواضع بر او فرود آوری و نزد خداوند، او را ببخشایی!
۲) هرکس که به تو علمی آموخت، بر تو حقی دارد، پس بر توست که دو بال فروتنی را از روی مهربانی بر او فرود آوری و نزد خدا برای او طلب بخشش کنی!
۳) کسی‌که به تو علمی آموخت، بر تو حقی دارد، پس در برابرش بال‌های فروتنی را از روی محبت فرود آور و نزد خدا برای او طلب بخشش کن!
۴) برای کسی‌که علمی به تو آموخته است، حقی است، پس باید آن را با گشودن بال تواضع بر او از روی محبت و طلب استغفار برای او از نزد خدا، ادا کنی!

۳- «إبراهیمُ اِغتنَم الفرصةَ عندما خَرج قومُه من مدینتِهم و کسَّرَ أصنامَهم بفأسٍ ثُمّ علَّقه علی أکتافِه!»:

۱) ابراهیم هنگامی که قومش از شهرشان خارج شده بودند، فرصت را غنیمت شمرد و بت‌هایشان را با تبری شکست، سپس آن را بر شانه‌هایش آویخت!
۲) ابراهیم وقتی قومش از شهر خارج می‌شدند، فرصت را غنیمت شمرد و بت‌هایشان را با تبرش شکست، سپس آن را بر دوشش انداخت!
۳) در زمانی که قوم ابراهیم از شهر خارج شده بودند، او از فرصت بهره برد و بت‌ها را با تبری شکست و سپس آن را بر روی شانه‌هایش آویزان کرد!
۴) هنگامی‌که قوم از شهر خارج می‌شدند، ابراهیم فرصت را مناسب دید تا بت‌هایشان را با تبرش بشکند، سپس تبر را بر دوشش آویخت!

۴- «بعد العُصور الکثیرةِ إکتَشَف العلماءُ النُّقوشَ و التَّماثیلَ الّتی تُؤکِّد اهتمامَ الإنسان بالّدین!»:

۱) بعد از زمان‌های طولانی، دانشمندان کشف کردند که کنده‌کاری‌ها و نقاشی‌ها بر اهمیت انسان بر دین تأکید دارند!
۲) پس از دوره‌های بسیار، دانشمندان نگاره‌ها و مجسمه‌هایی را کشف کردند که بر توجه انسان به دین تأکید می‌کرد!
۳) بعد از دوره‌های طولانی، دانشمندان بسیاری طرح‌ها و مجسمه‌هایی را کشف کردند که توجه انسان‌ها را به دین نشان می‌داد!
۴) دانشمندان پس از گذشت سالیان بسیار، نگاره‌ها و مجسمه‌هایی را کشف کردند که بر اهمیت انسان بر دین تأکید کرده‌اند!

۵- عَیِّن الصّحیحَ فی التَّرجَمَة:

۱) لهذه الشّجرتینِ غَصنان اثنان قَصیران! این درخت دو شاخه سرسبز و تازه دارد!
۲) قد کان البشُر بحاجةٍ إلی رُسلٍ لِیبیّنوا لهم صراطَ المُستقیم! بشر به پیامبران نیاز دارد تا راه مستقیم را برای آن‌ها آشکار کنند!
۳) فَقَذَفوه فی النّار ولکن أنقَذَه اللهُ منها!: پس او را در آتش انداختند ولی خداوند او را از آن نجات داد!
۴) فی الخطّ الثّامِن من رسالة أخی الصغیر الأربعة الأخطاء!: در خط نهم نامه برادر کوچکم چهار غلط است!

۶- عَیِّن الخطأ فی المُفردات المعیّنة:

۱) إنّما الإبراهیمُ یَقصِد الإستهزاءَ بأصنامِنا! ← مفرده «الصّنم»
۲) لکل دینٍ شَعائِر للعبادة! ← مترادفه «حفلة»
۳) شاهدتُ الیومَ صِراعاً فی الشّارع! ← متضاده «السّلم»
۴) یُقدّم بعضُ الأقوام قرباناً لکسب رضاءِ الآلهتِهم! ← جمعه «القَرابین»

۷- عَیِّن الأبعد فی مفهوم هذه الآیة: «أیَحسبُ الإنسانُ أن یُترَک سُدیً»

۱) هدف خلقت انسانی خود یادآور / ره خود پوی و خدا جوی و بدان راه برو
۲) تو اندر این جهان از بهر اوئی / نه در چوگان دنیا همچو گوئی
۳) «أفَحَسِبْتُمْ أنّمَا خَلَقْنَاکُمْ عَبَثاً»
۴) «اللّهُ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُور»

۸- أیُّ عبارة لا تَشتَمل مفهوم هذه الآیة الشّریفة: «أطلُبوا العلمَ و لو بالصّین»

۱) نصفُ العلم أخطَر من الجهل!
۲) أطلبوا العلمَ من المَهد إلی اللّحدِ!
۳) أطلب العلمَ و لا تَکْسَل، لأنّ الخیرُ بعیدٌ عن أهل الکَسلِ!
۴) لا یُنال العلمُ براحة الجسمِ!

۹- عَیِّن الصّحیحَ حسب الحقیقة و الواقع:

۱) الدرّ حجرٌ رخیصٌ جمیلٌ لونُه أبیض!
۲) قد تُرِک الإنسانُ سدیً فی العالم!
۳) لا شَعْبَ إلّا کانَ له دینٌ و طریقةٌ للعبادة!
۴) لا حاجةَ للفأسِ أن تکونَ القاطعةَ!

۱۰- عَیِّن الخطأ فی جواب هذا السّؤال: «هل حَضرَتک من العراق؟»

۱) نعم، جئتُ إلی العراق للمرّة الثّانی!
۲) لا، أنا إیرانیّ!
۳) لا، أنا من الکویت!
۴) نعم، أنا من مدینة «نجف» فی العراق!

**** أجب عن الأسئلة حسب النّصّ التّالی: (۳۸ ـ ۳۶)**

«آثار ...۳۶... الّتی اکتشفَها الإنسانُ و الحِضارات الّتی عرفَها من خلال الکتابات و النّقوش و الرّسوم و التّماثیل، تُؤکِّد اهتمامَ الإنسان بالدّین؛ ولکنَّ فی بعضِ الشّعوب العباداتِ و الشعائِرَ کانتْ خرافیّة؛ مِثلُ تعدّد الآلهة و تقدیم ...۳۷... لها لکسبِ رضاها و تَجنّب شرّها و لـذلک ...۳۸... اللهُ إلـیهم الأنبیاء لِیُبیّنوا الصّراط المُستقیم!»

۱۱- عَیِّن الصّحیحَ:

۱) الحدیثة
۲) القدیمة
۳) البدیعة
۴) الملوّنة

۱۲- ما هو الخطأ:

۱) القَرابین
۲) القُربان
۳) الأقرباء
۴) قَرابین

۱۳- میّز المنتخب الصّحیحَ:

۱) أُرسِلَت
۲) ترسِل
۳) أرسَلَت
۴) أرسَلَ

**** إقرأ النّصّ التّالی بدقةٍ ثُمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النّصّ: (۴۵ ـ ۳۹)**

«إنَّ السّببَ فی نجاح الفائِزین یُعّود إلی ثباتِهم فی الأمور أکثَر من مواهبهم (بخشش)! و ما فی الأول أمرٌ صعبٌ و محالٌ، یستطیع الثّبات أنْ یجعله سهلاً. ولکن نحنُ بحاجةٍ إلی أمور أخری. فعلی المرءِ قبل کل شیء أن یعرف طبیعة العمل ثم یتّخذ الثبات سلاحاً و یواصل بجد. سُئل أحدُ الأبطال (قهرمانان) عن سبب غلبَته علی الأعداء، فأجاب لا أسمَحُ للإستسلام (تسلیم شدن) و الیأس! فإنّ الثّباتَ مفتاحُ کل نصرٍ! عندما یُرید المرء أنْ یعملَ عملاً، فعلیه أن یعرفَ و یُدرِکَ طبیعة العملِ ثمّ یهتمّ به! یُحکی أنّ هناک طالباً قد یئس من الحیاة بسبب مصاعبها فَترک الدّرس! فی یومٍ رأی عجوزاً کانت فی یده قطعة حدید یُصقّلها بوسیلة حجرٍ حتّی یَصنعَ منها أداة للخیاطة ... فخجل الطّالب و بدّل أفکاره!»

۱۴- ماذا فَهِم الطالبُ من عمل العجوز؟

۱) العملُ لا یَعرِفُ الکبیرَ و الصّغیرَ و الطفلَ و العجوزَ!
۲) کلُ ضعیفٍ یُبدّل ضعفَه بقوة الفکر فَیصِل إلی غایتِه فی نهایة الأمر!
۳) الإنسانُ، و لو کان ضعیفاً، یَقدِر أن یَصل إلی هدفه!
۴) من أرادَ أن ینجحَ فعلیه أن یعملَ!

۱۵- عَیِّن الخطأ حسَب النّصّ:

۱) قسمٌ من النّجاح یعوّد إلی المواهب الطّبیعیّة!
۲) الثّباتُ هو العاملُ الوَحیدُ لنجاح النّاجحین!
۳) علینا أن نَعرفَ العملَ ثمّ نهتمّ به!
۴) من حاوَل وَصلَ، فهذة سنّة جعلَها الله!

۱۶- لِماذا لا نَصلُ نحنُ إلی أهدافنا؟

۱) لأنّ نعملُ وحیداً، فعلینا أن نطلبَ المساعَدةَ من الآخرین!
۲) الإستسلامُ و الیَأسُ من الأسبابِ المهمّة لعدم تحقّق أهدافنا!
۳) الوُصول إلی الأهدافِ بحاجةٍ إلی الثّبات علی العملِ فقط!
۴) فقدانَ الجدّ فی العمل و المعرفة به، من أسبابِ عدم الوصول إلی أهدافنا!

۱۷- علی حسَب النّصّ ...

۱) مواهبُ المرءِ مؤثّرٌ فی نجاحه أکثَر من ثباته!
۲) الثّبات یَجعل الأمورَ السَّهلة صعبةً!
۳) إذا لم نعرفْ العملَ فلا نَستَطیعُ أنْ نُحاول له!
۴) لا یقدر الثّبات أن یُحاربَ الیأس!

۱۸- عَیِّن الخطأ فی المحل الإعرابیّ للکلمات المعیّنة: «فعلی المرءِ قبل کل شیء أن یعرف طبیعة العمل ثمّ یتّخذ الثّبات سلاحاً»

۱) شیء: الصفة
۲) یعرف: الفعل المضارع
۳) الثبات: مفعول
۴) الطبیعة: مفعول لفعل «یعرف»

۱۹- عَیِّن الصّحیحَ حول المفردات المعیّنة فی النّصّ:

۱) لا أسمَح: فعل المضارع المنفی
۲) الفائِزین: مثنی مذکر ـ معرفة بأل
۳) مِفتاح: اسم جمع المکسّر و مفرده «مَفاتیح»
۴) عجوزاً: اسم مؤنث من «عجز» ـ نکرة

۲۰- عَیِّن الصَّحیحَ فی قراءة الجمل التّالیة:

۱) ثُمّ یَتَّخِذ الثّباتَ سلاحاً و یُواصَل بجدٍ!
۲) نحنُ بحاجةً إلی أمورٍ أخری!
۳) فخَجِل الطّالِبُ و بدَّل أفکارَه!
۴) قد یَئس من الحیاةِ بسببَ مصاعِبها!

**** عَیِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التّالیة: (۵۰ ـ ۴۶)**

۲۱- یَخرِجُ زمیلی کلَ یومٍ من بیته فی السّاعة السّابعة و بعد ساعةٍ واحدةٍ و خَمسة و أربعین دقیقة یَصل إلی المَصنع؛ کم السّاعة الّتی هو یَصل إلی المَصنعِ؟

۱) السّابعةُ و النّصف
۲) الثّامنةُ و الرّبع
۳) التّاسعةُ إلا رُبعاً
۴) السّابعةُ إلا رُبعاً

۲۲- عَیِّن غیرالصّحیحَ فی تطبیق الفعل و الفاعل:

۱) أنتَ تَجتهدُ فی ترتیبّة أولادک جداً!
۲) کم مرة سافَروا إلی بلدی یا أخی؟
۳) هل تَنظُرون إلی نعمِ الإلهیة و تَشکُرون اللهَ؟
۴) جدّتی قد حدَّثتنا عن شعائِر أسرَتها!

۲۳- عَیِّن ما لیس فیة العدد التّرتیبیّ:

۱) راجَعتُ إلی المکتبة خَمسَ مرّات لآخذَ کتاباً خاصاً!
۲) و أخیراً رَجعتُ إلی البیتِ فی المرّة السّادِسة!
۳) فبدأتُ بقراءتِه مرّتَینِ ولکنّی ما فهمتُه حتّی فی المرّة الثّانیة!
۴) و بعد أن تَأمَّلتُ فیه کثیراً و فی المرحلة العاشِرة، ففَهِمتُه جیداً!

۲۴- فی أیِّ الأجوبة أستُخدم فعل المضارع للنّهی:

۱) لا یُکسّر الولدانُ المُدبّران غرورَ شبابهم!
۲) لا تَنظُروا إلی کَثرة صلاتِهم و صَومهم!
۳) أ لا تعلَم بأنّ اللهَ یری أعمالَ النّاس؟
۴) لا یُنقِذُ الإنسانَ شیئاً أفضلَ من الکتاب!

۲۵- عَیِّن عبارة ما جاء فیها المضاف إلیه و الصّفة معاً:

۱) اللّون الأصفر مُهدّئة للأعصابِ!
۲) هل تَعلَم تأثیرَ ألوانَ المُختَلفة فی روح الإنسان!
۳) یَبیعُ التّاجِر البَضائعَ الجَدیدة فی دکّانة!
۴) أحب الرَّبیع مع أزهاره علی الغُصون النَّضرة!